

## The Effect of Political Change on the Economic Development of Vietnam (1986-2020)

**Mahmoud Amirazodi** *Corresponding Author*, MA in International Relations, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: [mahmoud.amirazodi@hotmail.com](mailto:mahmoud.amirazodi@hotmail.com)

**Rohollah Teimoori** Member of the Political Science Faculty of Payam Noor University, Shiraz, Iran. E-mail: [rtteymoori@gmail.com](mailto:rtteymoori@gmail.com)

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

Economic  
Development,  
Vietnam,  
Developmental State,  
Global Opportunities.

### ABSTRACT

Since the economic reform known as "Doi Moi" began in 1986, Vietnam has attracted significant foreign investment and achieved remarkable economic growth over the past few decades, shifting from a centrally planned economy to an open market-oriented economy. The aim of this research was to examine the economic transformations in Vietnam in relation to the political paradigm shift. Consequently, this study sought to answer the question: what is the relationship between the political paradigm shift in Vietnam and the economic performance of the government? The findings indicate that alongside positive economic transformations, political changes in Vietnam are significantly influenced by the management of the single-party government and the challenges arising from civil society. The concept of civil society paradigm is defined as being primarily driven by so-called "non-governmental organizations" and community-based organizations as key agents of political change. It is noteworthy that Vietnam has used greater integration with the international economic system, including accession to the World Trade Organization since the early 21st century and the signing of several free trade agreements, as a tool to strengthen domestic changes. The research method used was descriptive-analytical.

**Cite this Article:** Amirazodi, M., & Teimoori, R. (2024). The effect of political transformation on the economic development of Vietnam (1986 -2020). *International Relations Researches*, 14(1), 145-169 doi: 10.22034/irr.2024.418564.2449



© Author(s)

**Publisher:** Iranian International Studies Association

**DOI:** 10.22034/irr.2024.418564.2449



## تأثیر تحول سیاسی بر توسعه اقتصادی ویتنام (۱۹۸۶-۲۰۲۰)

محمود امیرعضدی نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه:

mahmoud.amirazodi@hotmail.com

روح اله تیموری عضو هیات علمی علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران. رایانامه: rtteymoori@gmail.com

در باره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	از زمان تکامل اقتصادی "دوی موی" که در سال ۱۹۸۶ آغاز شد، پس از آزادسازی اقتصادی، ویتنام حجم وسیعی از سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرد و به نرخ رشد اقتصادی فوق‌العاده‌ای در طول چند دهه اخیر دست یافت و ویتنام اقتصاد برنامه ریزی شده متمرکز سابق خود را به یک اقتصاد باز به سمت بازار جهانی دگرگون کرده است. هدف از این پژوهش بررسی تحولات اقتصادی با توجه به پارادایم شیفت سیاسی در ویتنام بوده است. براین اساس در این پژوهش سعی در پاسخ به این سؤال را داشته‌ایم که بین پارادایم شیفت سیاسی در ویتنام و عملکرد اقتصادی این دولت چه ارتباطی برقرار است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که در کنار تحولات مثبت اقتصادی می‌توان گفت: که تغییرات سیاسی در ویتنام به طور قابل توجهی با نحوه مدیریت دولت تک حزبی ویتنام با چالش‌های ناشی از جامعه مدنی سیاسی تعیین می‌شود. پارادایم جامعه مدنی به دلیل مشغله انحصاری‌اش با به اصطلاح "سازمان‌های غیردولتی" و سازمان‌های جامعه محور به عنوان عوامل اصلی تغییر سیاسی تعریف می‌شود. اتخاذ محتاطانه و متوالی ویتنام از نهادهای بازار، بیش از دو دهه عملکرد اقتصادی چشمگیر را به ارمغان آورده است، در حالی که اقتصاد سیاسی و توسعه سیاسی زیربنایی این کشور تا حد زیادی دست نخورده باقی مانده است. قابل توجه است که ویتنام از یکپارچگی بیشتر با سیستم اقتصادی بین‌المللی، از جمله از طریق صعود به سازمان تجارت جهانی از اوایل قرن بیست و یکم و انعقاد موجی از توافق‌نامه‌های تجارت آزاد، به عنوان ابزاری برای تقویت تغییرات داخلی استفاده کرده است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده است.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> توسعه اقتصادی، ویتنام، دولت توسعه گرا، فرصت‌های جهانی.	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱	

**استناد به این مقاله:** امیرعضدی، محمود، & تیموری، روح اله. (۱۴۰۳). تأثیر تحول سیاسی بر توسعه اقتصادی ویتنام (۱۹۸۶-۲۰۲۰). پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۱)، ۱۴۵-۱۶۹. doi: 10.22034/irr.2024.418564.2449.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل



کشور ویتنام از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۵ گرفتار جنگی خانمان‌سوز شد که بخش قابل‌توجهی از مردم را درگیر قحطی و فقر کرد. تلاش‌های ویتنام قبل از دهه ۹۰، نتوانست موتور اقتصاد این کشور جنگ‌زده را روشن کند. اما در سه دهه اخیر ویتنام با درس گرفتن از اشتباهات گذشته خود، اصلاحات اقتصادی را در دستورکار قرار داد. «آزاد سازی اقتصادی»، «عقد توافق نامه‌های تجاری با دیگر کشورهای منطقه»، «ثبات اقتصاد کلان» و «اصلاح سیاست‌های پولی و مالی» اقتصاد این کشور را متحول ساخت. براساس آمارهای بانک جهانی، صادرات ویتنام در سه دهه اخیر ۱۰۰ برابر شده است. نکته جالب، فتح بازار آمریکاست؛ اگرچه این کشور بزرگ‌ترین آسیب‌های جنگی را از آمریکا دید، اما در حال حاضر صادرات این کشور به آمریکا به ۶۱ میلیارد دلار رسیده است. طی این مدت همچنین متوسط درآمد ویتنامی‌ها حدود ۳۰ برابر شده است. براساس آمارها، جمعیت زیر خط فقر نیز از ۶۰ درصد جمعیت به کمتر از ۵ درصد رسیده است که این امر نشان می‌دهد این کشور در مسیر توسعه اقتصادی قرار دارد. ویتنام کشوری است که نامش بیشتر تداعی‌کننده جنگ با آمریکا است. بررسی آمارهای دو دهه اخیر نشان می‌دهد که ویتنام در جبهه اقتصادی، درحال رقم زدن یک پیروزی است. در یک دهه اخیر ویتنام از کشورهای جنوب شرقی آسیا، بین کشورهای دنیا یکی از بیشترین رشدهای اقتصادی سالانه را داشته است. اگر چه اقتصاد این کشور راه زیادی تا رسیدن به اقتصاد کشورهای هم‌جوار خود یعنی سنگاپور و تایوان دارد ولی رشد اقتصادی در یک دهه اخیر و پتانسیل‌های بالقوه اقتصادی در این کشور نوید توسعه اقتصادی در سال‌های آینده را نیز می‌دهد. رویکرد جدید سیاست‌گذاران از اواخر دهه ۸۰ میلادی نقش موثری در رشد اقتصادی در سال‌های بعد از آن داشته است. در این تغییر رویکرد، سیاست‌گذار از یک اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی به بازار آزاد تمایل پیدا کرده و تجارت آزاد در دستورکار قرار گرفته است. در نتیجه این تغییر سیاستی با وجود افزایش جمعیت به اندازه ۲۵ درصد از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۹ درآمد سرانه از ۹۵ دلار به ۲۷۱۵ دلار رسیده است و در همین مدت خط فقر نیز از ۶۰ درصد به کمتر از ۵ درصد رسیده است. نکته جالب توجه اینکه ویتنام از معدود کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا محسوب می‌شود که در سال ۲۰۲۰ گرفتار رکود نشد! (با توجه به شیوع کرونا). براساس آخرین آمار در سال ۲۰۱۹ این کشور بیش از ۶۰ میلیارد دلار به آمریکا صادر کرده است، همچنین میزان واردات این کشور از آمریکا در سال ۲۰۱۹ به میزان ۱۴/۳ میلیارد دلار بوده است. براین اساس اهمیت این پژوهش در آن است که در حوزه مطالعات منطقه‌ای و تاثیرات پارادایم





شیفت سیاسی بر توسعه اقتصادی کمتر پژوهشی در ایران صورت گرفته است. سوالی که در این مقاله به دنبال پاسخ به آن هستیم عبارت است از که بین تحول سیاسی ویتنام از سیاست‌های مارکسیستی به دولت توسعه‌گرا و توسعه اقتصادی ویتنام چه ارتباطی برقرار است. در پاسخ به، فرضیه بر این مبنا قرار می‌گیرد که تحول سیاسی ویتنام از سیاست‌های کمونیستی به دولت توسعه‌گرا سبب بهبود عملکرد اقتصادی ویتنام در مسیر توسعه اقتصادی شده است که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۱. پیشینه پژوهش

در خصوص توسعه در ویتنام مقالاتی به زبان فارسی وجود دارد از جمله امینی و شکراللهی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "جهانی شدن و توسعه اقتصادی در ویتنام" این ایده را دنبال می‌کنند که مهم‌ترین دلیل رشد در اقتصاد این کشور عدم وجود تنش در قومیت‌هاست، همین امر سبب شده است تا با عنصر هویتی اتحاد در کنار سه رکن آزادسازی، پیشرفت در کشاورزی و تمرکز زدایی به توسعه اقتصادی برسد. این مقاله از منظر رویکرد فرهنگی به توسعه ویتنام پرداخته است و کمتر به مساله تغییر نگاه در سیاست خارجی ویتنام توجه داشته است. حاجی یوسفی و حبیبی در مقاله‌ای تحت عنوان "ادراک رهبران و عادی سازی ویتنام در قبال آمریکا" بر این امر استی به‌توارند که نقش ایدئولوژی در اذهان دولتمران ویتنام از اهمیت وافری برخوردار است، اما رهبران ویتنام با پایان یافتن جنگ سرد ضرورت تغییر در عدم گرایش را احساس و به این نتیجه رسیدند در عصر چند جانبه‌گرایی باید با محیط بین‌الملل منطبق شوند. این مقاله هر چند به تغییر نگاه از منظر شیفت پارادایم سیاسی اشاره کرده است اما کمتر به تغییرات اقتصادی در پی این شیفت پارادایم سیاسی اشاره داشته است. نافریگر (۱۳۹۵) در کتابی تحت عنوان "توسعه اقتصادی" این ایده را دنبال می‌کند که توسعه اقتصادی به منزله یک امر مهم در زمینه مطالعات توسعه بر شمرده می‌شود از این رو کشور ویتنام به عنوان یک دولت توسعه‌گرای نوظهور بیش از موانع اقتصادی همچون ساختار اقتصادی با موانع سیاسی همچون عدم وجود جامعه مدنی مواجه است و همین امر سبب می‌شود تا در برنامه ریزی‌های توسعه چالش‌های فراوانی را برای این ساختار بتوان متصور بود. این پژوهش سعی کرده از منظر رویکرد اجماع‌اشنگتن، توسعه ویتنام را بررسی کند که البته ما معتقدیم وجود یک دولت مقتدر در امر توسعه ویتنام بسیار مهم و تأثیرگذار بوده است. ووتی تانه (۱۳۹۹) در کتابی تحت عنوان "صادرات و سرمایه‌گذاری در ویتنام" بر این



امر استوار است که ویتنام که در سال ۱۹۸۶ با اجرای برنامه نوسازی اقتصادی به نام «دوی موی» با فاصله‌گیری از سیستم کمونیستی که این کشور را در جنوب شرق آسیا نیز مزوی ساخته بود توانست با رعایت هنجارهای بین‌المللی و آمیختگی با نهادهای اقتصادی دنیا و منطقه‌ای تبدیل به «الگوی موفق توسعه» در جهان گردد. این کشور طی سی سال جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به حجم ۲۰۰ میلیارد دلار اکنون تبدیل به بیستمین صادرکننده و نوزدهمین واردکننده در جهان شده است (۲۰۱۹). حالا ویتنام از حجم تجارت نیم تریلیون دلاری عبور کرده (۲۰۱۹) و توانسته نرخ فقر را در جمعیت ۹۶ میلیون نفری از ۵۵ درصد به زیر ۵ درصد کاهش داده و از این حیث سرآمد کشورهای موفق (در دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۸) به کاهش فقر باشد. گوین (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان «جنگ ویتنام» این ایده را دنبال می‌کند که ویتنام قبل از جنگ با ایالات متحده و ویتنام پس از جنگ دو ساختار کاملاً متفاوت است از این رو امر اقتصاد در این کشور نیز به شدت نیاز بازسازی داشته است و همین امر سبب شده تا این کشور از کمونیسم فاصله گیرد و به سمت لیبرالیسم اقتصادی گرایش پیدا کند. این کتاب به مساله شیفت پارادایم در امر تغییر سیاست خارجی ویتنام اشاره دارد و به خوبی سعی کرده به وضعیت ویتنام در قبل و بعد از جنگ اشاره داشته باشد. در این پژوهش ما سعی می‌کنیم با رویکرد دولت توسعه‌گرا، توسعه اقتصادی ویتنام را از منظر شیفت سیاسی و با محور توسعه اقتصادی و تغییر در نگاه سیاست خارجی را بررسی کنیم. این نگاه با توجه به اینکه بسیار مهم بوده است در پژوهشهای قبلی به آن کمتر پرداخته شده است. لذا این پژوهش راه‌گشای پژوهش‌های بعدی بر محوریت توسعه اقتصادی ویتنام خواهد بود.

## ۲. چارچوب تحلیلی: دولت توسعه‌گرا

توسعه اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا نظیر کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، اندونزی و ویتنام باعث تحول عظیمی در نظریه پردازی توسعه در علوم سیاسی و اجتماعی شد. یکی از نظریاتی که بسیار غالب بود وجود دولت دموکراتیک را از پیش فرض‌های توسعه می‌دانستند. به عبارت بهتر همان روندی که غرب برای توسعه طی کرده بود به عنوان یک الگوی کلان برای همه کشورها تجویز می‌شد. ولی توسعه اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا یک فرضیه خلاف این مساله بود که دولت‌هایی به توسعه رسیدند که اصولاً نه تنها دموکراتیک نبودند بلکه جز رژیم‌های اقتدارگرا قرار می‌گرفتند. در



همین راستا، نظریات دولت توسعه گرا مطرح شد. نظریات دولت توسعه گرا در چارچوب رهیافت نهادی گامی در جهت در نظر گرفتن تأثیر بستر سیاسی - اجتماعی بر توسعه اقتصادی است. در واقع دولت توسعه گرا رابطه معنادار دولت و توسعه است. این گونه دولت‌ها با هدف تغییر ریشه‌ای در اساس اقتصادی جامعه، توانایی کافی برای تضمین نرخ بالای رشد اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم را دارند. در بین نظریات دولت توسعه گرا، نظریه آدریان لفت ویچ (Adrian Left wich) و نظریه دولت توسعه خواه ایوانز می‌تواند به پژوهش ما کمک کنند. ویچ معتقد است پیشرفت برخی کشورها وعدم پیشرفت بعضی دیگر، بیش از نوع رژیم به عواملی همچون ثبات داخلی، پذیرش در بازارهای اقتصادی - سیاسی بین المللی، داشتن روابط مثبت با اقتصادهای مسلط، خودمختاری نسبی دولت در سیاست‌های دموکراتیک با غیر دموکراتیک، قوه مجریه کارآمد، کاهش فساد و رشوه خواری، درجه حداقلی از توافق میان گروه‌ها و مناطق درباره اهداف رشد و قوانین باز برای رسیدن به آن و درجه فرایند برابری منطقه‌ای و اجتماعی در زمینه توزیع هزینه‌ها و منافع مربوط می‌شود. مساله اصلی اولویت سیاسی و مرکزیت دولت در فرایند توسعه است که در همه کشورها بافت سیاسی، پویایی سیاسی و اهداف سیاسی ساختار دولت را تشکیل می‌دهند، اهداف توسعه‌ای آن را تعیین می‌کنند و نتایج آن‌ها را مشخص می‌سازند. توسعه پایدار و کارآمد را هرگز نمی‌توان به اولویت‌های اداری یا ملاحظات مدیریتی محدود و آن را از سیاست جدا کرد (لفت ویچ، ۱۳۸۲: ۳۹۶-۴۰۸)

لفت ویچ تأکید دارد دموکراسی پیش شرط توسعه نیست و رابطه‌ای معنادار و علت و معلول بین آن‌ها وجود ندارد. تجربه بسیاری از کشورها نیز این موضوع را ثابت می‌کند در واقع باید گفت از نظر لفت ویچ ویژگی‌های دولت توسعه گرا اعم از دموکراتیک و غیر دموکراتیک عبارت از اداره دولت توسط نخبگان توسعه گرا، استقبال نسبی دولت، وجود بوروکراسی قدرتمند و کارآمد، ضعف جامعه مدنی و تحکیم اقتدار دولت بیش از افزایش اهمیت سرمایه داری داخلی و خارجی (Left wich, 1996: 285-297) از نظر لفت ویچ، دولت‌های توسعه گرا در کشورهای در حال توسعه، لزوماً یک دولت دموکراتیک نیست و آنچه اهمیت دارد آن است که بتواند رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی را بر اساس اهداف و منافع ملی تعریف کند و در یک فرایند باثبات آن را به پیش برد.



مفهوم دولت توسعه گرا را اولین بار، چارلمرز جانسون، برای مدل بنیان نوع خاصی از دولت ارائه کرد. این عنوان زاینده تحلیل وی از نقش دولت ژاپن در رشد اقتصاد اعجاز گونه‌ای بود که به آن دست یافته بود. وی اظهار داشت که دولت ژاپن، دولتی توسعه گراست. به رغم اختلاف نظرهای مختلف، دولت توسعه خواه اصطلاح عام برای توصیف دولت‌هایی است که به دخالت فعال و آگاهانه با هدف جبران عقب ماندگی‌ها و رسیدن به توسعه سریع اقتصادی می‌پردازند از جمله مهمترین آن‌ها ایوانز است. مطالعاتی که ایوانز در چارچوب الگوی نهاد گرای تطبیقی انجام داده، از یک سو به روشنی نشان داده که یکی از ویژگی‌های مشترک همه تجربه‌های موفق توسعه و دولت توسعه گرا وجود دیوانسالاری توانمند و منسجم است (ایوانز، ۲۴: ۱۳۸۰). از نظر وی، فقدان روابط و هنجارهای پیش بینی پذیر، قانون مند و دیوان سالارانه در دستگاه دولتی، دقیقاً ویژگی دولت‌های ناکارآمد و توسعه نیافته است (ایوانز، ۱۳۸۰: ۱۳۱). پایه دوم الگوی وی آن است که هیچ گاه یک دولت توسعه گرا و جامعه مربوط به آن نمی‌توانند به تنهایی کاری برای توسعه انجام دهند. از نظر ایوانز دولتی توسعه گرا است که دو ویژگی را توأمان داشته باشد: اول اینکه خودگردان باشد یعنی از چنان دیوانسالاری کارآمدی برخوردار باشد که مجالی برای گروه‌های رانت جوی قدرتمند بیرونی فراهم نکند. دوم اینکه متکی بر جامعه باشد، یعنی نخبگان دولتی در شبکه‌های اجتماعی و سایر مناسبات اجتماعی چنان جا گرفته باشند تا با همیاری جامعه مدنی اطلاعات لازم برای برنامه‌های توسعه‌ای را کسب کنند و هم به اجرای پروژه‌های توسعه دست زنند. در این پژوهش ما بر اساس چارپوب نظری دولت توسعه گرا، نقش دولت ویتنام را در امر توسعه بسیار مهم میدانیم.

### ۳. وضعیت اقتصادی ویتنام قبل از ظهور دولت توسعه گرا

پس از پیروزی و اتحاد ویتنام جنوبی و شمالی، حزب حاکم در سال ۱۹۷۶، با یک خوش بینی اعلام کرد که ویتنام در طی ۲۰ سال آینده گذار سوسیالیستی را تکمیل خواهد کرد اما این خوش بینی تحقق پیدا نکرد و در عوض ویتنام از یک بحران اقتصادی به بحران دیگر دچار شد. در واقع پایان جنگ، لزوماً به معنای پایان بحران‌های داخلی کشور نبود و نه تنها فشار سنگین ناشی از خسارات‌های فراوان جنگ، بلکه الگوی اداره کشور در سال‌های بعد نیز بر بحران‌های داخلی افزود. بنا بر اعتراف خود دولت ویتنام، بحران‌های اقتصادی در سال‌های پس از جنگ نتیجه اتخاذ سیاست‌های سوسیالیستی بعد



از وحدت و نیز متأثر از فساد اداری و هزینه‌های سنگین نظامی و دفاعی بوده است. در این زمان حدود ۶ میلیون ویتنامی از سوء تغذیه رنج می‌بردند و افت استانداردهای زندگی به نحوی بود که درآمد سرانه ماهیانه در شمال از ۸۲ دلار در سال ۱۹۷۶ به ۵۸ دلار در سال ۱۹۸۰ کاهش یافت. این شرایط دولت را مجبور ساخت تا از سازمان‌های بین‌المللی در خواست کمک کند و در دهه نخست پس از جنگ کشور به شدت به کمک‌های خارجی وابسته شد. به طوری که از اوایل دهه ۱۹۸۰ میزان بدهی خارجی برابر با کل درآمدهای ملی بود. دولت در تأمین نیازهای روزانه از قبیل غذا، کالاهای مصرفی، حمل و نقل، بهداشت و تسهیلات درمانی به طور جدی با بحران مواجه بود (مطالعات راهبردی بررسی توسعه کشور ویتنام - مرکز پژوهش‌های مجلس). دولت ویتنام از دهه ۱۹۸۰ تصمیم به یک شیقت پارادایم گرفت که به سمت یک دولت توسعه‌گرا بر محور توسعه اقتصادی حرکت کند.

#### ۴. ویتنام در پرتو تحول سیاسی و اقتصادی

به نظر می‌رسد که اصلاحات آغاز شده توسط ویتنام در سال ۱۹۸۶ هنوز کامل نشده است. در نتیجه کاهش رشد اقتصادی، بیکاری فزاینده و نا آرامی‌های اجتماعی، ویتنام با چالش‌های جدیدی برای اصلاحات بیشتر مواجه است. اگرچه با نوسازی فضای باز و فشار فزاینده‌ای برای بحث‌های بازتر در حزب کمونیست ویتنام ایجاد شده است اما تا توسعه سیاسی مسیر طولانی وجود دارد. این کشور با دو گزینه روبرو است: ادامه با همان سرعت تغییر و خطر عقب افتادن اقتصادی از کشورهای همسایه، یا انجام اصلاحات سیاسی رادیکال‌تر و خطر از دست دادن کنترل. این فصل به بررسی تحول پارادایم سیاسی ویتنام به عمل‌گرایی می‌پردازد. اولین سوالی که می‌توان در اینجا مطرح کرد این است که اساساً می‌توان تحول سیاسی و توسعه سیاسی در ویتنام قائل بود؟ در این فصل سعی بر پاسخ به این سؤال است. در خصوص تحول سیاسی، بسیاری استدلال می‌کنند که ویتنام اکنون پسا سوسیالیست است و صرف نظر از آنچه به طور رسمی گفته شده است، سوسیالیسم نقش بسیار کمی در زمان حال ویتنام ایفا می‌کند (و نه احتمالاً نقشی در آینده آن خواهد داشت Taylor 2016)). با این حال، میراث سوسیالیستی کشور ممکن است نقش کوچکی در توضیح این اسطوره داشته باشد، به ویژه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰. از نظر تاریخی، ویتنام با سایر کشورهای کمونیستی، به ویژه اتحاد جماهیر شوروی و چین، گروه بندی شده است، با این مفهوم که این کشورها به دلیل میراث مشترک



سوسیالیستی خود، دارای اشتراکاتی هستند. حزب کمونیست ویتنام تنها حزب سیاسی است که از زمان اتحاد ملی در سال ۱۹۷۶ بر ویتنام حکومت می‌کند. به دلیل ساختار دو قطبی دولت حزبی «سوسیالیست»، تمایز بین دولت و حزب/رژیم اغلب دشوار است. از این رو، چالش‌های انحصار قدرت حزب اغلب به عنوان چالش‌هایی برای انحصار دولت در استفاده از زور در نظر گرفته می‌شود (و بالعکس). با توجه به اینکه CPV همه احزاب سیاسی دیگر را ممنوع اعلام کرد و یک ماشین امنیتی ایجاد کرد که هر گونه نیرو و جنبش ضد دولتی را در کشور سرکوب می‌کند، رقابت سیاسی رسمی وجود ندارد. با این حال، تلاش‌هایی برای به چالش کشیدن انحصار حزب بر قدرت، به ویژه از زمانی که ملت در اواخر دهه ۱۹۸۰ شروع به Doi Moi تجدید کرد، ظاهر شد. بیشتر این چالش‌ها مربوط به حزب است، نه انحصار دولت در استفاده از زور. یکی از چالش‌های بالقوه برای دولت از گروه‌های قومی و مذهبی، مانند همونگ در شمال غربی، موتاگنارد/ دگار و پروتستان در ارتفاعات مرکزی و خمر کروم در مناطق جنوب غربی کشور ناشی می‌شود. در سال ۲۰۰۴، دفتر سیاسی CPV سه کمیته راهبری را به منظور اجرای سیاست‌های خود در پاسخ به وضعیت این مناطق ایجاد کرد. در سال ۲۰۱۸، CPV در تلاش برای کوچک کردن و ساده‌سازی بخش عمومی خود، آژانس‌ها را منحل کرد، اگرچه چالش همچنان باقی است.

معرفی و اجرای سیاست Doi Moi یا تجدید در پایان سال ۱۹۸۶ به طور غیرقابل انکاری مشروعیت CPV را احیا کرد و سیطره آن را بر قدرت تثبیت کرد. با این وجود، یک جامعه مدنی مستقل در حال ظهور، فساد، ناکارآمدی دولت و منافع اختصاصی در دوران پس از Doi Moi مشروعیت حزب حاکم را به چالش کشیده است. مردمی که زمین‌های روستایی یا شهری آنها برای پروژه‌های عمرانی با غرامت اندک مصادره شده بود، به عنوان گروهی که مکرراً با رژیم مقابله می‌کردند و تظاهرات می‌کردند، تجمیع شدند. دولت به خشم آنها پاسخ داد و از ترس اینکه این رویارویی می‌تواند ثبات رژیم و مشروعیت حزب کمونیست چین را تهدید کند، پاسخ داد. حفظ عملکرد اقتصادی بالا و احترام به آزادی‌ها و حقوق فردی و ادامه مبارزه با فساد با مشت آهنین به این معنی است که مشروعیت دولت بدون چالش باقی می‌ماند. مدیریت اصلی کشور به چهار سطح مرکزی، استانی، ولسوالی و کمون تقسیم می‌شود. سیستم عملیاتی ادارات یا سازمان‌های اجرایی مسئول خدمات عمومی روزانه در سراسر سیستم



یکسان است. حزب حاکم سیستم اداری را مطابق با مدل منسوخ و سبک شوروی کنترل و مدیریت می‌کند. CPV به موازات سیستم دولتی، دستگاه‌های حزبی را در همه سطوح ایجاد می‌کند که نه تنها مسئولیت امور حزب را بر عهده می‌گیرد، بلکه ظاهراً از مجریه مسئول می‌سازد و ساختار حزب - دولت را ایجاد می‌کند. ساختار دولتی به CPV اجازه داده است تا سیستم را به طور مؤثر کنترل کند و انعطاف پذیر بماند. با این وجود، دستگاه بوروکراتیک دست و پا گیر رشد و توسعه اقتصادی کشور را محدود می‌کند. علاوه بر این، زمینه مساعدی را برای صاحبان مناصب ایجاد می‌کند تا از قدرت خود برای منافع شخصی مانند «فروش و خرید پست‌های دولتی» سوء استفاده کنند.

## ۵. درک فرصت‌های جهانی

لویتسکی و وی (۲۰۱۰) بعد بین‌المللی دموکراسی‌سازی پس از جنگ سرد را نظریه‌پردازی کردند که در آن بر اهرم‌های غربی و پیوندهای غرب با غرب تمرکز کردند. پیوندها با غرب با پیوندهایی در شش بعد زیر مشخص می‌شوند:

(۱) پیوند اقتصادی، جریان تجارت، سرمایه‌گذاری و اعتبار. (۲) پیوند بین دولتی، از جمله روابط دیپلماتیک و نظامی دوجانبه و همچنین مشارکت در اتحادها، معاهدات، و سازمان‌های بین‌المللی به رهبری غرب؛ (۳) پیوند تکنوکراتیک، یا سهم نخبگان یک کشور که در غرب تحصیل کرده‌اند و/یا روابط حرفه‌ای با دانشگاه‌های غربی یا مؤسسات چندجانبه تحت رهبری غرب دارند. (۴) پیوندهای اجتماعی، یا جریان‌های مردم در سراسر مرزها، از جمله گردشگری، جریان‌های مهاجرت و پناهندگان، و شبکه‌های دیاسپورا. (۵) پیوند اطلاعات، یا جریان اطلاعات در سراسر مرزها از طریق مخابرات، اتصالات اینترنتی، و نفوذ رسانه‌های غربی؛ و (۶) پیوند جامعه مدنی، یا پیوندهای محلی با سازمان‌های غیر دولتی مستقر در غرب، سازمان‌های مذهبی و حزبی بین‌المللی، و سایر شبکه‌های فراملی (Levitsky and Way 2010: 38-44). در حالی که این اهرم ممکن است یک تهدید مستقیم رژیم نباشد، لویتسکی و وی پیشنهاد کردند که پیوندها در سرنگونی رژیم‌های استبدادی مؤثرتر هستند. با این حال، انعطاف‌پذیری رژیم استبدادی CPV به علاقه‌مندان به نظریه پیوند اطلاع می‌دهد که این نظریه هنوز در ویتنام کاربرد ندارد. هدف CPV برای تقویت پیوند رژیم با غرب اساساً تقویت اقتصاد و محافظت از آن در برابر فشارهای برونزا بر دموکراسی‌سازی سیاسی است. از زمان دی موی، رژیم با



موفقیت روابط بین‌المللی خود را گسترش داده و از عضویت در اردوگاه سوسیالیست به عضوی از جامعه بین‌المللی تبدیل شده است (Thayer 2015) پیوندهای آن با غرب با پیوستن به سازمان تجارت جهانی (۱۹۹۷)، یک سازمان تجاری مبتنی بر قوانین غرب، و انعقاد قراردادهای تجاری با اتحادیه اروپا (۲۰۱۵) و ایالات متحده (۲۰۰۰) و اخیراً، مشارکت ترانس پاسیفیک (۲۰۱۶) عمیق‌تر شده است. روابط دیپلماتیک رژیم با کشورهای غربی تشدید شده و در سطوح مختلف از عادی تا مشارکت همه‌جانبه و استراتژیک مشخص شده است. پیوندهای این کشور با غرب نیز با حضور صدها سازمان غیردولتی بین‌المللی که اکثر آنها در کشورهای غربی مستقر هستند و در آنجا فعالیت می‌کنند، نشان داده می‌شود (PACCOM 2007). در مجموع، اگر شش بعد پیوند با غرب پیشنهاد شده توسط لویتسکی و وی درست باشد، ویتنام به دموکراسی تبدیل می‌شود. با این وجود، علیرغم پیوند عمیق و گسترده آن با غرب، نشانه کمی وجود دارد که چنین تحولی به زودی رخ دهد. برای مثال بهبود روزافزون روابط دوجانبه ویتنام با ایالات متحده، CPV را قادر می‌سازد تا مشروعیت خود را به جای تهدیدی برای رژیم، تحکیم بخشد. در یک سند دولت به ایالت، ایالات متحده متعهد شده است که به نظام سیاسی فعلی ویتنام احترام بگذارد (US-VN, 2015) و از این طریق تلویحاً مشروعیت CPV در اداره کشور را به رسمیت بشناسد. این تعهد در سخنرانی باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده در هانوی در جریان سفر وی به کشور در ماه مه ۲۰۱۶ (اوباما ۲۰۱۶) با وجود نگرانی‌های جدی در مورد سوابق نقض حقوق بشر توسط رژیم تکرار شد. در مقابل، ایالات متحده این کار را با چین، مهم‌ترین شریک تجاری خود، یا با هیچ رژیم دیگری که توسط حزب کمونیست اداره می‌شود، انجام نداده است. مفروضاتی در ارتباط با موقعیت ژئوپلیتیک ویتنام وجود دارد که نزدیکی بین دو دشمن سابق را تشدید می‌کند. با این حال، ویتنام با سایر کشورهای غربی مانند بریتانیا، فرانسه و آلمان نیز مشارکت استراتژیک برقرار کرده است. هر فرضیه‌ای در مورد روابط بین‌الملل رژیم وجود داشته باشد، پیوندهای عمیق آن با غرب تا کنون ثابت شده است که اهرمی برای تقویت توانایی آن در مقاومت در برابر چالش‌های برونزا در برابر انعطاف‌پذیری رژیم بوده است. ویتنام فرآیند اصلاحات اقتصادی عمده خود را در سال ۱۹۸۶ با راه اندازی رسمی Doi Moi آغاز کرد که اساس سیاست اقتصادی فعلی آن را پایه‌گذاری کرد. ۳۰ سال بعد، اصلاحات داخلی که این روند به وجود آورده غیرقابل انکار است. یکپارچگی عمیق‌تر



و گسترده‌تر اقتصادی بین‌المللی که ویتنام به دنبال آن بود، از اهمیت عمده‌ای برخوردار بود، که جنبه بسیار موفقی از روند اصلاحات بوده است. در سیاست اقتصادی جدیدی که با Doi Moi به راه افتاده است، ویتنام به خوبی اهمیت «بیرون‌نگر» بودن را درک کرده است (Hiep 2015: 3). در واقع، ویتنام به خوبی آنچه را نسادورای (Nesadurai, 2003: 153-154) «ضرورت رشد» نامید، درک کرد. یعنی نیاز به تعامل با جهانی شدن به منظور تضمین رشد تولید ناخالص داخلی و ثروت اقتصادی بیشتر. تجارت و رشد صادرات محور هسته اصلی استراتژی یکپارچگی اقتصادی بین‌المللی ویتنام در سه دهه گذشته بوده است. گردآوری داده‌های بین سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۵ توسط HSBC نشان می‌دهد که صادرات بیشترین سهم را در رشد داشته است (HSBC 2016: 2).

از زمان باز شدن این کشور برای تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اوایل دهه ۱۹۹۰، چندین قرارداد تجارت آزاد منعقد شده است. در سال ۱۹۹۵ ویتنام عضو آسه آن شد. در سال ۱۹۹۶ به منطقه آزاد تجارت آسه آن پیوست و در حال حاضر با شرکت در AEC در ادغام بیشتر اقتصادی آسه آن شرکت می‌کند. توافقنامه تجاری دوجانبه با ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰ نقطه عطف مهمی بود که راه را برای الحاق ویتنام به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۷ هموار کرد (CIEM 2010: 1).

درواقع در ۲۰۰۰، امضای توافقنامه تجاری دوجانبه بین ایالات متحده و ویتنام نقطه عطف مهمی برای اقتصاد ویتنام بود. توافقنامه تجاری دوجانبه بین ایالات متحده و ویتنام وضعیت روابط تجاری عادی کالاهای ویتنامی را در بازار ایالات متحده فراهم کرد. دسترسی به بازار ایالات متحده به ویتنام اجازه می‌دهد تا تبدیل خود را به یک اقتصاد مبتنی بر تولید و صادرات محور سرعت بخشد. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی را نه تنها از ایالات متحده، بلکه از اروپا، آسیا و سایر مناطق به ویتنام جذب می‌کند. در سال ۲۰۰۱، حزب کمونیست ویتنام یک برنامه اقتصادی ۱۰ ساله را تصویب کرد که نقش بخش خصوصی را تقویت کرد و در عین حال بر اولویت دولت تأکید کرد. در سال ۲۰۰۳، بخش خصوصی بیش از یک چهارم کل تولیدات صنعتی را به خود اختصاص داد و سهم بخش خصوصی با سرعت بیشتری نسبت به بخش دولتی در حال گسترش بود (۱۸.۷ درصد در مقابل رشد ۱۲.۴ درصدی از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳) (Cooke, 2011: 12-14). پس از آن رشد به ۶ تا ۷ درصد در سال ۲۰۰۰-۲۰۰۲ حتی



در شرایط رکود جهانی افزایش یافت و آن را به دومین اقتصاد سریع‌الرشد جهان تبدیل کرد. به طور همزمان، سرمایه‌گذاری سه برابر و پس انداز داخلی پنج برابر شد.

در سال ۲۰۰۳، بخش خصوصی بیش از یک چهارم کل تولیدات صنعتی را به خود اختصاص داد. (Cooke, 2011: 12-14). علیرغم این نشانه‌های پیشرفت، گزارش رقابت‌پذیری جهانی مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۵، که قضاوت‌های ذهنی جامعه تجاری را منعکس می‌کند، رتبه هشتاد و یکم ویتنام را در رقابت‌پذیری رشد در جهان (از رتبه شصتم در سال ۲۰۰۳ پایین‌تر) و در رقابت‌پذیری کسب‌وکار هشتادمین قرار داد. از جایگاه پنجاهم در سال ۲۰۰۳، بسیار عقب‌تر از مدل چینی خود که در این دسته بندی‌ها رتبه‌های چهل و نهم و پنجاه و هفتم را به خود اختصاص داده بود. بدتر شدن شدید رتبه‌بندی ویتنام از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ تا حدی به درک منفی از اثربخشی نهادهای دولتی نسبت داده شد. فساد اداری علیرغم تلاش‌هایی که برای مهار آن انجام می‌شود، همه‌گیر است. ویتنام همچنین از نظر حقوق مالکیت، تنظیم کارآمد بازارها و اصلاحات بازار کار و مالی از چین عقب است. بانک‌های دولتی که مدیریت ضعیفی دارند و از وام‌های غیرجاری رنج می‌برند، همچنان بر بخش مالی تسلط دارند. در ۱۱ ژانویه ۲۰۰۷، ویتنام پس از ۱۱ سال آماده‌سازی، شامل ۸ سال مذاکره، به ۱۵۰ عضو سازمان تجارت جهانی تبدیل شد. دسترسی ویتنام به WTO باید تقویت مهمی برای اقتصاد ویتنام باشد و باید به تضمین ادامه اصلاحات آزادسازی و ایجاد گزینه‌هایی برای گسترش تجارت کمک کند. با این حال، الحاق به WTO نیز چالش‌های جدی را به همراه دارد و بخش‌های اقتصادی ویتنام را ملزم می‌کند که درها را به روی افزایش رقابت خارجی باز کنند (Toner, 2017: 773)

اگرچه اقتصاد ویتنام که با نرخ سالانه بیش از ۷ درصد به رشد خود ادامه می‌دهد، یکی از سریع‌ترین رشدها در جهان است، اقتصاد از پایه بسیار پایینی در حال رشد است که منعکس‌کننده اثر فلج‌کننده جنگ دوم هند و چین (۱۹۵۴) است. این که آیا رشد اقتصادی سریع پایدار است یا خیر قابل بحث است. (Toner, 2017: 776) دولت ممکن است نتواند برنامه‌های کاهش محدودیت‌های تجاری و اصلاح شرکت‌های دولتی را دنبال کند.

به هر صورت با تمام چالش‌ها، تا به امروز، ویتنام و سنگاپور تنها دو کشور عضو آسه آن هستند که با دو بازار مهم صادراتی خود قراردادهای تجارت آزاد دارند (با در نظر گرفتن تفاوت بزرگ در توسعه



اقتصادی بین ویتنام و سنگاپور). در واقع، نسبت صادرات کالا و خدمات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۶ برای ویتنام ۹۳.۶ درصد و برای سنگاپور ۱۷۶.۵ درصد است. کشوری که سومین سطح صادرات به تولید ناخالص داخلی را دارد، مالزی با ۷۰.۹ درصد است. ویتنام همراه با سنگاپور صادرات محورترین اقتصاد آسه آن (شاخص های تجارت بانک جهانی) است. نسبت صادرات به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی ویتنام، برخلاف سنگاپور و مالزی در پنج سال گذشته به طور مداوم افزایش یافته است. در سراسر آسیا، ویتنام یکی از معدود کشورهایی است که هنوز از بخش صادرات پر جنب و جوش در میان تقاضای جهانی ضعیف برخوردار است» (HSBC 2016: 1).

## ۶. تجزیه و تحلیل یافته ها

### ۱-۶. بهبود اقتصادی در پرتو تحول روابط خارجی

در سال ۲۰۱۶ فام بین مین، معاون نخست وزیر ویتنام، اظهار داشت که چندجانبه گرایی سزاوار "جایگاهی بالاتر" در میان سیاست خارجی ویتنام است، و افزود که "جهانی شدن رو به رشد و ظهور چالش ها در مقیاس جهانی نیاز بیشتری را برای کشورها ایجاد کرده است. بزرگ و کوچک، برای ایجاد چارچوب چندجانبه» (Thanh Nien News 2016). چندجانبه گرایی صدای ویتنام را در امور بین الملل تقویت می کند، از حمایت سیاسی حیاتی آن برخوردار می شود، و به مدیریت صلح آمیز اختلافات کمک می کند و همچنین مزایای اقتصادی مختلفی را به همراه دارد که به توسعه کشور کمک می کند. رویکرد چندجانبه ویتنام به مشارکت در سازمان های چندجانبه مختلف گسترش می یابد. در این بخش، بر نقش ویتنام در آسه آن، کمک های افزایش یافته آن به سازمان ملل، نقش آن به عنوان رئیس APEC، و مشارکت آن در گفتگوی شانگری-لا تمرکز خواهیم کرد. بنابراین، چندجانبه گرایی یک مکانیسم کلیدی یک سیاست خارجی چند جهته است.

واضح است که افزایش مشارکت در آسه آن به ویتنام این امکان را داده است که از نظر تعداد قدرت پیدا کند و توانایی های خود را برای محافظت در برابر چین افزایش دهد و در عین حال رویکرد فعال و متنوع خود را برای چندجانبه سازی تقویت کند. شواهدی از نقش تقویت شده و فعالانه ویتنام در آسه آن در ریاست آن در سال ۲۰۱۰ در آسه آن مشاهده شد. در طول این مدت، ویتنام همچنین با موفقیت میزبان جلسات مهم انجمن، از جمله نشست افتتاحیه وزیران دفاع آسه آن، همانطور که در



زیر مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر این، از طرف شرکای آسیایی خود - ژاپن، کره جنوبی و چین - و همچنین ایالات متحده بازدیدهای زیادی در سطح بالا دریافت کرد. به ویژه، دیدار هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه در سال ۲۰۱۰، آغاز چرخش ایالات متحده به آسیا با نقش اساسی ویتنام و شرکای آن در آسه آن بود. همچنین، ویتنام در دوران ریاست خود در سال ۲۰۱۰ میزبان شانزدهمین نشست سران آسه آن با عنوان «به سوی جامعه آسه آن: از چشم انداز تا اقدام» بود، که نشان دهنده قصد آسه آن برای ایجاد یک جامعه نزدیک سیاسی - امنیتی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی بود. این طرح اقدام در سال ۲۰۱۵ با راه اندازی انجمن آسه آن در دسامبر ۲۰۱۵ به ثمر نشست. این امر همبستگی بین اعضا را تقویت کرد، ادغام موفقیت آمیز مداوم ویتنام در سازمان را عمیق تر کرد و به هر دو آسه آن و ویتنام صدای قوی تری بویژه در معاملاتشان با چین داد. (Tran 2015 به عنوان مثال، ویتنام یکی از اعضای فعال نشست سالانه روسای نیروی دریایی آسه آن بوده است که بر تقویت همکاری در میان قابلیت همکاری بین نیروهای دریایی آسه آن تمرکز دارد.

در قلب جامعه آسه آن، منطقه تجارت آزاد آسه آن قرار دارد. اهمیت اقتصادی آسه آن برای ویتنام حیاتی است زیرا تلاش می کند وابستگی خود را به چین کاهش دهد و به دنبال تنوع در مشارکت های اقتصادی خود است. آسه آن تقریباً ۱۵ درصد واردات و صادرات را برای اقتصاد ویتنام نشان می دهد. (The ASEAN Secretariat, 2014) علاوه بر این، با پیش بینی هایی مبنی بر اینکه تولید ناخالص داخلی آسه آن در سال ۲۰۳۰ از تولید ناخالص داخلی ژاپن پیشی خواهد گرفت، علاوه بر منافع سیاسی و امنیتی، مزایای اقتصادی زیادی نیز وجود دارد. (Kikuchi, 2016) در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۵، آسه آن رسماً جامعه اقتصادی آسه آن را به عنوان بخشی از ابتکار جامعه آسه آن ایجاد کرد که بر چهار رکن متمرکز بود:

۱. بازار واحد و پایه تولید
۲. یک منطقه اقتصادی بسیار رقابتی
۳. منطقه ای با توسعه اقتصادی عادلانه
۴. منطقه ای که به طور کامل در اقتصاد جهانی ادغام شده است.



گزارش بانک انکشاف آسیایی در ارزیابی پیشرفت قبل از تشکیل AEC تصریح کرد که آسه آن در کاهش تعرفه‌ها، آزادسازی سرمایه‌گذاری و جریان سرمایه از طریق امضای توافقنامه سرمایه‌گذاری جامع در سال ۲۰۱۲، تقویت حقوق مالکیت معنوی از طریق برنامه اقدام حقوق مالکیت معنوی آسه آن در سال ۲۰۱۱ موفقیت‌هایی کسب کرده است. - ۲۰۱۵، و امضای تعدادی FTA که نشان دهنده ادغام بیشتر آسه آن در اقتصاد جهانی بود. با این حال، این گزارش خاطرنشان کرد که فضای قابل توجهی برای بهبود وجود دارد، به ویژه در کاهش موانع غیرتعرفه‌ای، ارتقای حقوق کارگران مهاجر و کاهش محدودیت‌های جنبش کارگری، تقویت همکاری بیشتر بین اعضا، و کاهش شکاف توسعه‌ای که دائماً در سرتاسر تاریخ آسه آن آزار می‌دهد (Balboa and Wignaraja 2014) به طور کلی، یک جامعه اقتصادی آسه آن پتانسیل ایجاد یک اقتصاد عمیقاً یکپارچه و بسیار منسجم آسه آن را دارد که می‌تواند از رشد اقتصادی بالا و انعطاف پذیری پایدار حمایت کند، حتی در مواجهه با شوک‌ها و نوسانات اقتصادی جهانی. این امر می‌تواند منافع اقتصادی قابل توجهی برای ویتنام به همراه داشته باشد و به کاهش ماهیت نامطلوب تجارت ویتنام و چین کمک کند.

## ۲-۶. باور به توسعه؛ مشارکت‌های استراتژیک

مشارکت‌های استراتژیک از آغاز هزاره افزایش یافته است و مانند چند جهت‌گرایی، جهان چند قطبی برای شکل‌گیری آنها مساعدت کرده است. مشارکت‌های استراتژیک به جای تهدید محور، هدف محور هستند (Wilkins, 2011: 117). آنها توافق‌نامه‌های جامعی هستند که نشان دهنده تعهد طولانی مدت دو بازیگر برای ایجاد یک رابطه کاری نزدیک در تعداد قابل توجهی از حوزه‌های سیاست هستند و نیازی به یک تهدید شناسایی شده ندارند (Nadkarni, 2010: 12). به طور مشابه، آنها ابزاری دوجانبه برای تعمیق همکاری برای مقابله با مشکلات جهانی ناشی از تهدیدات امنیتی غیرسنجی و خنثی کردن مناطق بالقوه درگیری هستند. ویتنام مشارکت‌های استراتژیک/جامع را به عنوان ابزاری برای ارتقای روابط ویتنام و جایگاه آن در سیستم بین‌المللی هدف قرار داده است، در حالی که از همکاری برای تقویت دفاع ملی و ساخت و ساز، حفظ صلح، ثبات و توسعه در جهان استفاده می‌کند (Pham BM 2014). این تلاش‌ها همچنین متضاد نیستند و نشان دهنده تعهد ویتنام به راه‌حل‌های صلح‌آمیز و همکاری هستند و در عین حال منعکس‌کننده استراتژی پوشش‌دهی این کشور هستند. فرهنگ واژگان



سیاست خارجی ویتنام شامل چندین اصطلاح برای نشان دادن سطح و میزان مکانیزم برای اجرای مشارکت آنها است. آن‌ها به ترتیب عمیق عبارتند از: مشارکت‌های جامع، مشارکت‌های استراتژیک، مشارکت‌های استراتژیک گسترده، مشارکت‌های راهبردی - جامع و مشارکت‌های تعاونی جامع - استراتژیک (Thayer 2013). تفاوت معنایی بین مشارکت‌ها نسبتاً مبهم است و خود سیاست‌گذاران خارجی ویتنامی هنوز تعریف روشنی از هر یک ارائه نکرده‌اند محتوای هر مشارکت متفاوت است، با مشارکت‌های جامع عموماً ماهیت کمتری دارند. از سال ۲۰۰۱، ویتنام در هماهنگی با سیاست خارجی متنوع، یکپارچه و فعال‌تر خود، مشارکت راهبردی/جامع با ۱۶ کشور مختلف ایجاد کرده و سه مشارکت استراتژیک موجود را به مشارکت استراتژیک گسترده یا مشارکت استراتژیک - جامع ارتقا داده است. این توافقنامه‌ها توافق‌نامه‌های گسترده و جامعی هستند که همکاری در طیف گسترده‌ای از زمینه‌ها مانند اقتصاد، سیاست، دیپلماسی، دفاع و امنیت، علم و فرهنگ را تسهیل می‌کنند.

ویتنام در دهه اخیر با ۱۱ کشور، به ویژه ایالات متحده و استرالیا، شراکت جامع داشته است. استرالیا ابتدا در سال ۲۰۰۹ متعهد به یک مشارکت استراتژیک جامع شد و اصطلاح استراتژیک را رد کرد. در سال ۲۰۱۰، یک برنامه اقدام برای ارائه چارچوبی که در آن همکاری می‌تواند شناسایی شود، مورد توافق قرار گرفت (Australian Government: Department of Foreign Affairs and Trade 2014). روابط ویتنام - استرالیا پس از این دوره شروع نشد تا اینکه در مارس ۲۰۱۵، زمانی که نگوین تان دانگ، در سفر به استرالیا، شاهد امضای بیانیه‌ای در مورد تقویت مشارکت جامع استرالیا و ویتنام بود. دو کشور همچنین دیدگاه خود را برای ایجاد یک مشارکت استراتژیک در آینده ابراز کردند. در سال ۲۰۱۳، مشارکت جامع ایالات متحده و ویتنام مورد توافق قرار گرفت. این مشارکت پنج حوزه همکاری را تشریح می‌کند: ظرفیت‌سازی دریایی، مشارکت اقتصادی، تغییرات آب و هوایی و مسائل زیست محیطی، همکاری آموزشی، و ترویج احترام به حقوق بشر. این مشارکت ویتنام را به عنوان یک بازیگر ژئواستراتژیک در منطقه تأیید می‌کند. اگرچه این مشارکت همچنین حاوی بندی در مورد حقوق بشر نیست، که یک نقطه گیر سنتی در روابط ویتنام - ایالات متحده است، اما در دیدار نخست وزیر نگوین ژوان فوک با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۷ هیچ اشاره‌ای به نقض حقوق بشر نشده است (Landler, 2017: 2). ویتنام با پنج کشور مختلف اروپایی وارد مشارکت استراتژیک



شده است. در سال ۲۰۰۹، پس از بازدید رئیس جمهور وقت، نگوین مین تریت، اسپانیا و ویتنام برای همکاری در زمینه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و آموزش به توافق رسیدند. اگرچه تجارت دوجانبه بین ویتنام و اسپانیا در سال ۲۰۱۴ به ۲.۵ میلیارد دلار رسید، ایگناسیو بیانز رویو، وزیر امور خارجه اسپانیا، اذعان کرد که شراکت آنها هنوز به پتانسیل کامل خود نرسیده است (Mussons and Vidaurri 2016).

در سال ۲۰۱۱، ویتنام یک مشارکت استراتژیک با آلمان ایجاد کرد که برای تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و همکاری‌های توسعه طراحی شده بود. از سال ۲۰۱۳ تمرکز محدودتری بر آموزش و پرورش، انرژی و محیط زیست بوده است (Vietnam Breaking News, 2015). ویتنام همچنین در سال ۲۰۱۳ یک شراکت راهبردی با ایتالیا امضا کرد که طی آن دو کشور همکاری‌های خود را در زمینه‌های سیاسی، مسائل جهانی و منطقه‌ای، روابط اقتصادی، کمک‌های توسعه، فرهنگی، آموزشی، و همکاری‌های علمی و فناوری، و دفاع و امنیت تقویت کردند (Tuoi Tre, 2013).

احتمالاً مبراهم‌ترین و مهم‌ترین مشارکت استراتژیک اروپا با بریتانیا و فرانسه است. ویتنام و بریتانیا در سال ۲۰۱۰ برای همکاری در هفت زمینه کلیدی: مسائل سیاسی، جهانی و منطقه‌ای، تجارت و سرمایه‌گذاری، توسعه پایدار اجتماعی - اقتصادی، آموزش و پرورش، علم و فناوری، امنیت و دفاع، و مشارکت مردمی، برای همکاری استراتژیک در سال ۲۰۱۰ توافق کردند. -پیوندهای مردمی (Foreign Commonwealth Office, 2010 &). دو هزار و پانزده نفر همچنین اولین سفر نخست وزیر بریتانیا به ویتنام را دیدند و در آوریل ۲۰۱۶، فیلیپ هاموند، وزیر امور خارجه بریتانیا با همتای ویتنامی خود برای بحث در مورد همکاری بیشتر در زمینه آموزش، از جمله تأسیس موسسه ویتنام - بریتانیا در دا، ملاقات کرد. نانگ در ژوئن ۲۰۱۶، وزیر دفاع ارل هاو با معاون وزیر دفاع نگوین چی وین ملاقات کرد تا در مورد همکاری‌های دفاعی آینده گفتگو کند (Vietnam Plus 2016c). علاوه بر این، نگوین تان دونگ در سفری به پاریس در سال ۲۰۱۳ بیانیه مشترکی را در مورد مشارکت استراتژیک ویتنام و فرانسه امضا کرد که هدف آن همکاری در زمینه‌های سیاسی، دفاع ملی، امنیت، اقتصاد و تجارت، سرمایه‌گذاری، توسعه، فرهنگ، آموزش است. تحقیقات علمی و حقوق سفر دولتی فرانسوا اولاند رئیس جمهور فرانسه در سپتامبر ۲۰۱۶ بر تعهد دو کشور به تقویت روابط و همکاری تاکید کرد.



ویتنام با چهار شریک آسه آن: تایلند، اندونزی، سنگاپور و فیلیپین شراکت استراتژیک امضا کرده است. اولین مورد تایلند در سال ۲۰۱۳ بود، پس از اینکه دبیر کل نگوین فو تروننگ یک مشارکت استراتژیک با پنج رکن اصلی ایجاد کرد: روابط سیاسی، همکاری دفاعی و امنیتی، همکاری اقتصادی، همکاری اجتماعی-فرهنگی، و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی (Vietnam Plus 2013).

### ۳-۶. رشد ویتنام در پرتو روابط تجاری

از آنجایی که Doi Moi ویتنام دیگر امنیت را صرفاً به عنوان دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی تعریف نکرده است، این مفهوم را به امنیت همه جانبه بسط داده تا عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز در بر گیرد (Elliott, 2012: 17). این نیز ثبات اجتماعی و سیاسی را ایجاد کرده است. از دهه ۲۰۰۰ ویتنام نرخ رشد چشمگیری را تجربه کرده است و تولید ناخالص داخلی آن معمولاً حدود ۶ درصد است (Trading Economics 2017). این همچنین منجر به کاهش چشمگیر فقر شده است، و ویتنام اغلب به عنوان یک داستان موفقیت آمیز برای کاهش فقر تبلیغ می‌شود (The World Bank, 2013). در سال ۲۰۰۹، ویتنام به کشوری با درآمد متوسط با تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از ۱۲۰۰ دلار تبدیل شد (Nguyen 2015). توسعه اقتصادی یک منافع استراتژیک اصلی برای ویتنام است و یک سیاست خارجی چند جهته به ویتنام کمک می‌کند تا از طریق توافقات تجاری به این مهم دست یابد. ویتنام همچنین مایل است از وابستگی اقتصادی به یک کشور اجتناب کند، همانطور که در طول جنگ سرد، زمانی که بیش از ۹۰ درصد تجارتش با اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای اروپای شرقی انجام می‌شد، این کار را انجام داد (Maass, 2012: 2018). وزارت صنعت و تجارت توافقنامه‌های تجاری را به عنوان "پلتفرمی برای باز شدن بیشتر به خارج، تسریع اصلاحات داخلی، و به عنوان رویکردی مؤثر برای ادغام در اقتصاد جهانی و تقویت همکاری اقتصادی" ترسیم کرده است (وزارت جمهوری سوسیالیستی ویتنام صنعت و تجارت ۲۰۱۶). معاملات تجاری یک جزء کلیدی برای تقویت یکپارچگی، همکاری و ارتقای رشد اقتصادی است. آن‌ها تأثیر قابل توجهی بر توسعه ویتنام داشته و خواهند داشت که به نوبه خود به اهداف استراتژیک ویتنامی کمک خواهد کرد (ابوت، بنتزن و فین ۲۰۰۹). در سال‌های اخیر، ویتنام قراردادهای تجاری دوجانبه و چندجانبه متعددی را منعقد کرده است. این نشان می‌دهد که ویتنام به طور فعال و پیوسته به دنبال توافقاتی تجاری است که از مزایای



اقتصادی قابل توجهی برخوردار است و به عنوان مکانیزمی برای دنبال کردن یک سیاست خارجی چند جهت عمل می‌کند. بزرگ‌ترین شریک تجاری ویتنام در حال حاضر چین است، با ارزش تجارت در سال ۲۰۱۵ تقریباً ۹۵ میلیارد دلار (Vietnam Country Profile, 2016)، چین همچنین با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و اندازه اقتصادی خالص آن، مهم‌ترین شریک تجاری ویتنام است. از زمان امضای قرارداد آزاد تجاری آسه آن و چین در سال ۲۰۰۰، واردات از چین از ۷.۳ درصد به ۳۰ درصد کل واردات و صادرات از ۷.۴ درصد به ۱۱ درصد از کل صادرات افزایش یافته است. ویتنام برای واردات مواد خام ارزان قیمت که به صنایع نساجی پر جنب و جوش ویتنام کمک می‌کند، به شدت به چین متکی است. نگران‌کننده است، همانطور که شکاف بزرگ در رشد بین صادرات و واردات به چین نشان می‌دهد، کسری تجاری ویتنام با چین در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری افزایش یافته است. به عنوان مثال: در سال ۲۰۱۵ به ۳۲.۳ میلیارد دلار رسید (Tuoi Tre 2016).

#### ۴-۶. چالش‌های تحول

چالش اول، چالش برای ثبات داخلی و امنیت ملی است. Doi Moi نمی‌توانست بدون حفظ صلح و ثبات موفق شود. با این حال، برای اینکه ویتنام بتواند وظایف خود را در محیط جدید انجام دهد، نخبگان حاکم این کشور باید نه تنها به نگرانی‌های اقتصادی، بلکه سایر نگرانی‌های مردم خود نیز رسیدگی کنند. همچنین، موفقیت ویتنام به نحوه همکاری آن با چین، آسه آن و سایر طرف‌های ذینفع برای یافتن راه حلی قابل قبول و مسالمت آمیز برای اختلافات در دریای چین جنوبی (یا به قول ویتنام دریای شرقی) بستگی دارد.

چالش دوم این است که چگونه اقتصاد ویتنام را بازسازی کنیم تا آن را کارآمدتر و سازگارتر با نوسانات اقتصادی و مالی جهانی کنیم. موضوع مرتبط این است که چگونه می‌توان رویکرد متعادل‌تری نسبت به خواسته‌های بعضاً متناقض رشد اقتصادی بالا و توسعه اقتصادی پایدار داشت. برای مقابله با این چالش، ویتنام باید در یک سری تلاش‌های هماهنگ، از جمله تجدید ساختار بخش‌های مالی و بانکی، تثبیت پایگاه اقتصادی خود، اصلاح بخش صادرات خود، و ترویج توسعه سازگار با محیط زیست، مشارکت کند.



چالش سوم این است که چگونه می‌توان از قدرت اقتصادی جدید ویتنام برای ارتقای جایگاه بین‌المللی این کشور استفاده کرد و به نوبه خود از مشخصات بین‌المللی این کشور برای خدمت به توسعه اقتصادی و امنیت ملی استفاده کرد. پرداختن به این چالش‌ها مستلزم آن است که ویتنام روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را با شرکای مهم خود به ویژه چین، ایالات متحده، روسیه، ژاپن و هند بیشتر کند. همچنین ویتنام را ملزم به اتخاذ رویکردی فعال در نهادهایی مانند آسه‌آن، آسه‌آن+۳، اپک و سازمان ملل می‌کند.

#### ۷. دستاوردهای اقتصادی ویتنام

بر اساس تصمیم‌کنگره ششم حزب در سال ۱۹۸۶، وان‌لین قدرت را در دست گرفت و زمینه ساز تحولاتی شگرف در آینده ویتنام شد. بر اساس چنین نگرش‌هایی، برنامه اصلاحات اقتصادی آغاز شد و در همین راستا، ویتنام همین چین اصلاحات خود را با از میان بردن کشاورزی اشتراکی شروع کرد. ویتنام با تغییر پارادایم خود از سوسالیسم به سمت توسعه اقتصادی به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تعامل با دنیا باعث تغییرات گسترده‌ای شد؛ به عبارت دیگر از سال ۱۹۸۶، دولت کمونیستی ویتنام تصمیم گرفت تا با انجام اصلاحات اقتصادی، انزوای سیاسی و اقتصادی‌ای کشور را کنار گذاشته و درهای همگرایی با اقتصاد جهانی را به روی خود بگشاید. اقتصاد ویتنام از زمان آغاز اصلاحات در ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ عملکرد مطلوبی را به نمایش گذارد. در این دوران، نرخ رشد اقتصادی در ویتنام به بالای هفت درصد رسید که یکی از بالاترین رقم‌ها در میان کشورهای جهان بود. دولت همچنین با متعهد ساختن خود به نوسازی اقتصادی، اقتصاد متمرکز را به کناری نهاد. آزاد نمودن قیمت‌ها، شناور ساختن واحد پول ملی، تصویب قانون مالکیت خصوصی، خصوصی سازی تدریجی و اصلاح ساختار بانکی، زمینه مساعدی را برای سرمایه‌گذاری خارجی فراهم کرد (نیشه یار، ۱۴۰۱). که در ذیل به بعضی از تغییرات در مسی رشد اقتصادی ویتنام در نتیجه این تغییر اشاره می‌کنیم.



### جدول ۱، داده های اقتصادی ویتنام

ردیف	متغیر اقتصادی	مقدار
۱	تولید ناخالص داخلی	۲۶۱/۹ میلیارد دلار
۲	درصد رشد اقتصادی	۷ میلیارد دلار
۳	درصد تورم	۲/۸ میلیارد دلار
۴	ضریب جینی	۰/۳۵۷ میلیارد دلار
۵	درصد بیکاری	۲/۰۴ میلیارد دلار
۶	صادرات	۲۱۰/۸ میلیارد دلار
۷	واردات	۱۵۵/۵ میلیارد دلار

منبع داده ها: بانک جهانی

روند رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) ویتنام در سال های اخیر همیشه در حال افزایش بوده است. همانطور که ملاحظه می شود کشور ویتنام از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی که اصلاحات اقتصادی را در کشور آغاز کرد. رشد اقتصادی پایداری را برای خود فراهم کرده است. در طول ۳۰ سال گذشته رشد اقتصادی آن به طور متوسط ۶/۸ درصد بوده است. ویتنام در ۲۵ سال گذشته میانگین تورم ۶ درصدی را تجربه کرده است. حسب آنچه آغازهای سال های اخیر نشان می دهد در ۵ سال اخیر وضعیت تورم در این کشور به وضعیت باثباتی رسیده است و به طور نسبی همواره تورم های این کشور کمتر از ۵ درصد بوده است. نرخ بیکاری به طور متوسط در این کشور در ۳۰ سال اخیر در حدود ۲ درصد بوده است و در سال های اخیر نیز این نرخ وضعیت باثباتی را داشته است و در حول و حوش متوسط بلند مدت خود قرار دارد. ویتنام در نرخ بیکاری، رتبه ۱۷۴ را داراست. یکی دیگر از شاخص های مهم اقتصاد کلان که به نوعی وضعیت نابرابری های درآمد و نحوه توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه را نشان می دهد و به ویژه برای کشورهای در حال رشد از اهمیت زیادی برخوردار است. میانگین ضریب جینی در کشور ویتنام در حدود ۰/۳۶ بوده است. هر چند در برهه ای از زمان همچون دوره سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰، این نرخ به سقف ۰/۳۹ هم رسیده است. ولی پس از آن با کاهش مجدد به سطح ۰/۳۴ در سال های اخیر در سطح متوسط بلند مدت خود که همان ۰/۳۶ است قرار دارد. یکی از شاخص های مهم ارزیابی کشورها، میزان و سهم صادرات تولیدی و متوسط و پیشرفته از کل صادرات



تولیدی است. صادرات تولیدات کارخانه‌ای کشور ویتنام در نمودار ۵ نمایش داده شده است. سهم صادرات تولیدی متوسط و پیشرفته از کل صادرات تولیدی کشور ویتنام که در سال ۱۹۹۰ در حدود ۱۶ درصد بوده است این شاخص در سال ۲۰۱۹ به حدود ۵۴ درصد رسیده است (رک، به: Nguyen, 2022).

### نتیجه گیری

سؤال اصلی این پژوهش اینگونه مطرح شده است که بین تحول سیاسی ویتنام از سیاست‌های مارکسیستی به دولت توسعه گرا و توسعه اقتصادی ویتنام چه ارتباطی برقرار است؟ در پاسخ به سؤال تحقیق باید اینگونه نتیجه گیری کرد که تحول سیاسی ویتنام از کمونیسم به دولت توسعه گرا با تمرکز بر توسعه اقتصادی سبب تحول اقتصادی ویتنام شده است. براین اساس با تأیید فرضیه می‌توان گفت: که اگرچه در طول تقریباً سه دهه از زمانی که ویتنام در ابتدا سیاست خارجی چند جهت خود را تحریک کرد، چیزهای زیادی تغییر کرده است، منافع استراتژیک اصلی این کشور تغییر نکرده است و توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی چیره شده است. همانطور که جهان به طور فزاینده‌ای چندقطبی و یکپارچه شده است، مشکلات و تهدیدهای جدیدی پدیدار شده‌اند. همچنین، خطر درگیری هرگز بالاتر نبوده است. برای ویتنام، هدف این بازی کاهش عدم اطمینان و در عین حال بهره مندی از جهانی شدن است. یک سیاست خارجی چند جهت به کشور این امکان را می‌دهد که شرایط عدم تقارن را نه با ایجاد تعادل و نه با حرکت باند کاهش دهد. در عوض، مشارکت‌های متنوع، یکپارچگی پیشرفته و انعطاف‌پذیری به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا بدون قرار گرفتن در مدار یک قدرت بزرگ‌تر، دستاوردها را افزایش داده و خطر ضرر را به حداقل برسانند. ویتنام سیاست خارجی چندجانبه خود را از طریق سه مکانیسم کلیدی اجرا می‌کند: مشارکت استراتژیک/جامع، معاملات تجاری و چندجانبه گرایی. مشارکت‌های راهبردی/جامع، همکاری‌های دوجانبه را در طیف وسیعی از زمینه‌ها با شرکای اصلی افزایش می‌دهد و مزایای اقتصادی، سیاسی و امنیتی را فراهم می‌کند. در حالی که همیشه دفاع محور نیستند، تعداد زیادی از شرکات‌های استراتژیک شامل ترتیبات دفاعی است که می‌تواند با چین مدعی مقابله کند. باز هم، مزایای همکاری به دست می‌آید و ریسک‌ها مدیریت می‌شوند. معاملات تجاری با تقویت ساخت و ساز ملی، حمایت از اهداف توسعه، افزایش صادرات به خارج از کشور و



جذب سرمایه گذاری در ویتنام به توسعه اقتصادی ویتنام کمک می‌کند. حفظ مجموعه‌ای متنوع از قراردادهای تجاری نیز وابستگی را کاهش می‌دهد و اهرم اقتصادی چین بر ویتنام را کاهش می‌دهد. در همین حال، چندجانبه گرایی قدرت چانه زنی ویتنام را به ویژه در رابطه با چین افزایش می‌دهد، انسجام بیشتری را در میان اعضای آسه آن ایجاد می‌کند و منافع اقتصادی زیادی را به همراه دارد. فعال بودن در آسه آن همچنین ویتنام را قادر می‌سازد تا از سیاست عدم مداخله محافظت کند: که آرامش را برای رژیم فراهم می‌کند. ویتنام متعهد به تضمین یک محیط بین المللی صلح آمیز است که امکان همکاری در برخورد با مشکلات بسیار پیچیده و یکپارچه امروزی، توسعه اقتصادی بیشتر و مدیریت مسالمت آمیز اختلافات را فراهم می‌کند. قاطعیت چین با توجه به عدم تقارن‌هایی که در روابط ویتنام و چین وجود دارد، اهمیت بیشتری به سیاست خارجی چند جهته ویتنام داده است. یک سیاست خارجی چند جهته مشکلات مرتبط با چین رابطه‌ای را جبران می‌کند. با توجه به عزم قوی ویتنام مبنی بر عدم اتکای بیش از حد به هیچ قدرتی یا کشاندن درگیری دوقطبی، به راحتی می‌توان فهمید که چرا ویتنام به دنبال سیاست خارجی چند جهته خود ادامه می‌دهد. با این حال، چالش‌هایی هنوز در زمینه توسعه سیاسی در پیش است. با این حال، با توجه به اینکه یک سیاست خارجی چند جهته از زمان ظهور ویتنام از Doi Moi به خوبی خدمت کرده است، ما باید به زودی انتظار تغییر کمی در سیاست خارجی این کشور داشته باشیم.

#### منابع

ایوانز، پیتر (۱۳۸۰)، توسعه یا چپاول؛ نقش دولت در تحول صنعتی، ترجمه عباس مخبر و عباس زندباف، تهران: انتشارات طرح نو.

بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه آکسفورد (۱۳۸۷) جهانی شدن، رشد و فقر: پژوهشی در طراحی اقتصاد همبسته جهانی، ترجمه صابرشیبانی اصل. تهران، نشر نی.

تیشه یار، ماندانا (۱۴۰۱)، «توسعه سیاسی دولت در ویتنام در چارچوب نظریه‌های کارل دویچ و برینگتون مور»، فصلنامه دولت پژوهی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۴۰۱، صفحات ۳۸۷-۴۱۷

رحیمی بروجردی، علیرضا، (۱۳۸۹) جهانی سازی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات

ساعی، احمد، (۱۳۸۰) مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها،

(سمت)



زکریا، فرید، (۱۳۹۸)، از ثروت به قدرت، ریشه‌های نامتعارف نقش جهانی آمریکا، ترجمه نجف شیخ سرایی، محسن توکلیان

و حسینعلی یارخی، تهران: انتشارات روزنه

عجم اوغلو، دارون، لیبسون، دیوید و لیست، جان (۱۳۹۷)، کلیات علم اقتصاد، ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی و

محمدحسین نعیمی پور، تهران: انتشارات روزنه

کندی، پل، (۱۳۹۵)، ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ، ترجمه محمد قائد، ناصر موفقیان و اکبر تبریزی، تهران: علمی و

فرهنگی

گیلین، رابرت، (۱۳۹۸)، جنگ و تغییر در سیاست جهان، ترجمه سجاد بهرامی مقدم، تهران: نشر مخاطب

لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۲). دموکراسی و توسعه، ترجمه: احمد علیقلیخان و افشین خاکباز، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو

مرشایمر، جان (۱۳۹۳)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده، تهران: نشر وزارت امور خارجه

منکیو، گریگوری، (۱۳۹۷)، مبانی علم اقتصاد، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشرنی

نورث، داگلاس، والیس، جان جوزوف و وینگاست، باری (۱۳۹۵)، خشونت و نظم‌های اجتماعی، چارچوبی مفهومی برای

تفسیر تاریخ ثبت شده بشر، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجید زاده، تهران: انتشارات روزنه.

وزارت امور خارجه، (۱۳۸۹) ویتنام، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

Abbott, P. and F. Tarp, (2011), Globalization Crises, Trade, and Development in Vietnam, United Nations university. Abbott, P., J. Bentzen, and F. Tarp (2009). Trade and development: Lessons

Abbott, P. and F. Tarp, (2011), Globalization Crises, Trade, and Development in Vietnam, United Nations university.

Abbott, P., K. Boys, P. L. Huong, and F. Tarp, (2008). Trade and development in Vietnam: exploring investment linkages, presented at the symposium on globalization and the rural-urban divide initiated by the international agricultural trade research consortium (IATRC), Seoul, 29 June-1 July 2008.

Abbott, Philip, Bentzen, Jeanet, and Tarp, Finn (2009), Trade and Development: Lessons from Vietnam's Past Trade Agreements, in: World Development, 37, 2, 341-353.

APEC (2016), Navigating Change to Top APEC Agenda Under New Chair, online: <[www.apec.org/Press/News-Releases/2016/1209\\_Priorities.aspx](http://www.apec.org/Press/News-Releases/2016/1209_Priorities.aspx)> (20 December 2016).

Asia Times (2016), Vietnam is Russia's Bridge to ASEAN, online: <[www.atimes.com/article/vietnam-is-russias-bridge-to-asean/](http://www.atimes.com/article/vietnam-is-russias-bridge-to-asean/)> (23 October 2016).

Australian Government: Department of Foreign Affairs and Trade (2015), A Declaration on Enhancing the Australia-Viet Nam Comprehensive Partnership, online: <<http://dfat.gov.au/geo/vietnam/Pages/adeclaration-on-enhancing-the-australia-vietnam-comprehensive-partnership.aspx>> (18 February 2016).



- Balboa, Jenny D., and Wignaraja, Ganeshan (2014), ASEAN Economic Community 2015: What is Next? in: ASIA Pathways, online: <[www.asiapathways-adbi.org/2014/12/asean-economic-community-2015-what-is-next/](http://www.asiapathways-adbi.org/2014/12/asean-economic-community-2015-what-is-next/)> (22 March 2016).
- BBC (2017), Vietnam 'Kidnap Victim' Trinh Xuan Thanh Appears on TV, online:
- Bourdreau, John (2015), The Biggest Winner from TPP Trade Deal May Be Vietnam, in: Bloomberg, online: <[www.bloomberg.com/news/articles/2015-10-08/more-shoes-and-shrimp-less-china-reliance-for-vietnam-in-tpp](http://www.bloomberg.com/news/articles/2015-10-08/more-shoes-and-shrimp-less-china-reliance-for-vietnam-in-tpp)> (19 October 2015).
- Hanoi, British Embassy (2014), English For Vietnamese Officers Joining UN Peace-Keeping Operations, online: <[www.gov.uk/government/world-location-news/english-for-vietnamese-officers-joining-un-peace-keeping-operations](http://www.gov.uk/government/world-location-news/english-for-vietnamese-officers-joining-un-peace-keeping-operations)> (12 March 2017).
- Hải, Nguyễn Hồng (2012), Vietnam's Anti-Corruption Measures Fall-Short, in: East Asia Forum, 18 August, online: <[www.eastasiaforum.org/2012/08/18/vietnams-anti-corruption-measures-fall-short/](http://www.eastasiaforum.org/2012/08/18/vietnams-anti-corruption-measures-fall-short/)> (2
- HSBC (2016), Vietnam at a Glance. Cautiously Optimistic on Trade, HSBC Global Research, Flashnote,
- Hải, Nguyễn Hồng, and Minh, Phạm Quang (2016, forthcoming), Democratization in Vietnam's post-Đổi Mới One-Party Rule: Change from Within, Change from the Bottom to the Top, and Possibilities, in: Banpasirichote, Chantana, and Rehbein, Boike (eds), Globalization and democracy in Southeast Asia: Challenges, Responses and Alternative Futures, New York: Palgrave Macmillan.
- Cheow, Eric Teo Chu (1986), New Omnidirectional Overtures in Thai Foreign Policy, in: Asian Survey, 26, 7, 745-758.
- Left wich, Adrian(1996). Democracy and Development, theory and politics(Cambridge. polity press).
- Nguyen, L. T. H. (2022). Impacts of foreign direct investment on economic growth in Vietnam. Journal of Economic and Banking Studies, 4, 01-15.